

## بررسی تطبیقی شأن نزول آیه انفاق (بقره، ۲۷۴) نزد فریقین

حامد دژآباد<sup>۱</sup>

زهرا خداپرست<sup>۲</sup>

### چکیده

آیات بسیاری در قرآن وجود دارند که شأن نزول آنها در تفاسیر روانی شیعه، اهل بیت (ع) یا امام علی (ع) دانسته شده است؛ اما در تفاسیر اهل سنت بر افراد دیگری از جمله خلفای راشدین انطباق داده شده است. آیه ۲۷۴ بقره یکی از این آیات است. آیه مذکور در تفاسیر اهل سنت، بر اصحاب خیل، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف و ابوبکر مصادیق انفاق کنندگان منطبق شده است. بررسی‌ها در این مقاله نشان می‌دهد، روایات مورد استناد صحیح نیستند. این در حالی است که آیه مذکور به طرق متعدد از فریقین بر امام علی (ع) تطبیق داده شده است؛ به علاوه، این تطبیق با ظاهر آیه نیز هماهنگ است. مفسران اهل سنت و تشیع این آیه را عام دانسته‌اند. منتها مفسران شیعه کوشیده‌اند، آن را بر خصوص امام علی (ع) انطباق دهند و برخی از مفسران اهل سنت نیز تطبیق آن آیه بر امیرالمؤمنین علی (ع) مخدوش شمرده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** انفاق پنهانی، انفاق آشکار، اصحاب خیل، اهل سنت، شیعه، امام علی (ع).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

h.dejabad@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول)

khodaparast70@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی

## ۱. مقدمه

در برخی تفاسیر اهل سنت گاه تعدادی از آیات به گونه ای تفسیر شده اند که کاملاً با تفاسیر شیعی متفاوت و متناقض اند. اهل سنت گاه ذیل یک آیه چندین شأن نزول بیان کرده‌اند؛ بدون آن که به ارزیابی آنها بپردازند.

آیه ۲۷۴ بقره از جمله این آیات است که شأن نزول آن، محل تعارض آراء بین شیعه و برخی از اهل سنت قرار گرفته است. مطابق با این آیه فرد یا افرادی در شب و روز و به صورت پنهانی و علنی اموال خود را انفاق نموده‌اند؛ سپس آیه مذکور در شأن آنان نازل گشته است.

برخی از اهل سنت ذیل این آیه، با آوردن روایات بسیاری درباره اصحاب خیل، سعی در اثبات شهرت این دیدگاه نموده اند. (نک: واحدی، أسباب نزول القرآن، ۹۲-۹۳) گروهی دیگر با اتکا به روایاتی، عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان را مصداق انفاق کنندگان در آیه دانسته‌اند. (نک: آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۴۶/۲؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱/۲۴۶) و در نهایت برخی دیگر با استناد به روایتی که فاقد سند است، انفاق در آیه مذکور را به ابوبکر نسبت داده اند. (نک: رازی، مفاتیح الغیب، ۷۱/۷؛ بیضاوی، أنوارالتنزیل و أسرار التأویل، ۱/۱۶۱)

از سوی دیگر آنان با وجود ذکر این ادله روایی، در بیان ادله دلالتی خود به تقویت هیچ کدام از نظریات مذکور نپرداخته اند. تنها فخر رازی و جمعی دیگر از اهل سنت نظریه عام بودن این آیه را مطرح ساخته اند. (نک: رازی، مفاتیح الغیب، ۷۱/۷؛ ابوحیان اندلسی، البحرالمحیط فی التفسیر، ۷۰۱/۲؛ سمرقندی، بحر العلوم، ۱/۱۸۲) ابن تیمیه نیز سعی نموده است، با وارد نمودن اشکالاتی، شأن نزول مرتبط با امیرالمؤمنین (ع) را انکار کند. (ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ۷/۲۳۱)

اما بسیاری از مفسران شیعه شأن نزول آن را در مورد امام علی (ع) دانسته و کوشیده‌اند، آرای مفسران اهل سنت را به نقد بکشند.

## ۲. دیدگاه مفسران اهل سنت درباره شأن نزول آیه انفاق

آیه مورد بحث چنین است: "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" (بقره، ۲۷۴). مفسران اهل سنت با استناد به روایات خود اشخاص یا گروه‌هایی را مصداق انفاق کننده در این آیه دانسته اند که اینک نخست، روایات و سپس تحلیل آنها می‌آید.

### ۲. ۱. استناد به اقوال صحابه و تابعین

اهل سنت آیه انفاق را بر اصحاب خیل، عبدالرحمن بن عوف و عثمان، و ابوبکر تطبیق داده و بیش تر به این نظر گراییده‌اند که این آیه درباره اصحاب خیل نازل شده است و منظور از اصحاب خیل سپاهیان سواره‌ای هستند که شب و روز برای اسب‌ها انفاق می‌کنند و از آنها پرستاری می‌نمایند. اقوال آن‌ها در این باره بدین شرح است:

۱. روایت عَرِيب: عن يزيد بن عبد الله بن عَرِيب، عن أبيه، عن جده، لما نزلت هذه الآية: "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ" في أصحاب الخيل. قال رسول الله (ص): إن الشياطين لا تخبل أحداً في بيته فرس عتيق من الخيل (واحدی، أسباب نزول القرآن، ۹۲)؛ هنگامی که آیه ۲۷۴ بقره درباره اصحاب خیل نازل شد، پیامبر (ص) فرمود: شیاطین هرگز به کسی که در منزلش اسب سبک بال یا چابک باشد، آسیب نمی‌زنند.

۲. حدیث ابن عباس: عن حَنَس بن عبد الله الصَّنْعَانِي، أنه قال: حدث ابن عباس في هذه الآية: "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً" قال: في علف الخيل (همان، ۹۳)؛ آیه ۲۷۴ بقره درباره کسانی است که به اسب‌ها علوفه می‌دهند.

در طریق دیگر چنین آمده است... قال: هم الذين يعلفون الخيل في سبيل الله (ابن أبي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ۲، ص ۵۴۳)؛ آیه درباره کسانی است که در راه خدا به اسب‌ها علوفه می‌دهند.

۳. حدیث ابودرداء: شيخ من غافق: أن أبا الدرداء كان ينظر إلى الخيل مربوطة بين البراذين والهجن، فيقول: أهل هذه يعني الخيل من الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا و

علانية، فلهم أجرهم عند ربهم، ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون (طبری، جامع البيان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۶)؛ ابودرداء به اسبان بسته شده میان برزون‌ها و هجان‌ها (قاطرها و یابوها) نگریسته و می‌گوید: صاحبان این اسب‌ها از کسانی‌اند که مشمول آیه می‌گردند.

اهل سنت با استناد به روایات ذیل، عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان (هر دو با هم) یا عبدالرحمن بن عوف (به تنهایی) را مصداق منفقین در آیه می‌دانند:

۴. ابن‌المسیب: عن ابن‌المسیب "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" كلها في عبد الرحمن بن عوف و عثمان بن عفان في نفقتهم في جيش العسرة (نک: آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳)؛ آیه تماماً درباره عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان آنگاه که در جنگ تبوک اتفاق نمودند، نازل شده است.

۵. روایت ضحاک از ابن عباس: أنها نزلت في عبد الرحمن بن عوف، و بعث عبد الرحمن إلي اهل الصفة بدنانير كثيرة نهارا (ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ آیه درباره عبدالرحمن بن عوف نازل گشته است؛ زیرا وی به اهل صفة دینارهای فراوانی در روز فرستاد.

۶. در نهایت خلیفه اول از دیگر شأن نزول‌های مورد استناد اهل سنت در این آیه است:  
- وقيل نزلت في أبي بكر الصديق رضي الله عنه حين تصدق بأربعين ألف دينار: عشرة بالليل، و عشرة بالنهار، و عشرة في السر، و عشرة في العلانية (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۷۱؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹)؛ آورده‌اند که آیه درباره ابوبکر نازل گردید؛ آنگاه که وی ۴۰ هزار دینار صدقه داد. به این صورت که ۱۰ هزار دینار در شب، ۱۰ هزار دینار در روز، ۱۰ هزار دینار پنهانی و ۱۰ هزار دینار آشکارا.

## ۲.۲. تحلیل دلالت آیه انفاق

اهل سنت چندین شأن نزول ذیل آیه ۲۷۴ بقره ذکر نموده‌اند؛ اما این آیه هیچ کدام از آنها را تقویت نمی‌کند. آنان در این زمینه، دو نکته را بیان کرده‌اند که عبارت است از:

### ۲.۲.۱. تعمیم لفظ آیه انفاق

برخی با استناد به سیاق آیه انفاق، الفاظ آن را عام دانسته‌اند، زیرا در این آیه گفته شده است، انفاق کنندگان در شب و روز، پنهانی و آشکارا انفاق می‌کنند.

فخر رازی این وجه از تفسیر آیه را احسن الوجوه خوانده و گفته است: "این آیه عام است در کسانی که در همه اوقات و احوال صدقه می‌دهند و به خیر تشویقشان می‌کند؛ پس هر زمان که نیازمندی محتاج ایشان است، سریع حاجتش را برآورده می‌سازند و در آن تأخیر روا نمی‌دارند و به وقت و زمان دیگری موکول نمی‌کنند. این وجه بهترین نظر است؛ چراکه آیات پیش از این در بیان حکم انفاق بود؛ لذا بایستی در این آیه کامل‌ترین وجوه انفاق مطرح شود." (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۷۱)

به نظر ابوحیان اندلسی، با بیان این که آیه سبب نزول خاص دارد، باز عام است و ادر بیان دلیل آن به همان سخن فخر رازی اکتفا نموده است. (نک: ابوحیان اندلسی، البحرالمحیط فی التفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱)

به نظر سمرقندی، آیه همه مردم را تشویقی کرده است که در همه احوال و اوقات صدقه خود را پردازند و بتوانند مشمول فراز بعدی آیه بشوند که بیان می‌دارد: "فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ". (نک: سمرقندی، بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۸۲)

ابن عطیه اندلسی نیز از قاضی ابومحمد نقل می‌کند: "و الآية وإن كانت نزلت في علي رضي الله عنه، فمعناها يتناول كل من فعل فعله و كل مشاء بصدقته في الظلم إلى مظنة ذي الحاجة". (نک: ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجيز فی تفسیر الکتاب العزيز، ج ۱، ص ۳۷۱)

از دیگر مفسران اهل سنت که به عمومیت لفظ آیه نظر دارند، غرناطی، زمخشری، ابن کثیر و بغدادی‌اند. (نک: غرناطی، کتاب التسهيل لعلوم التنزيل، ج ۱،



### ۳. بررسی آراء عامه در آثار شیعه درباره آیه انفاق

اینک نظر اهل سنت مبنی بر نزول آیه انفاق درباره اشخاص و گروه‌هایی چون اصحاب خیل، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف و ابوبکر بررسی و نقد می‌شود.

### ۴. بررسی اقوال صحابه و تابعین درباره آیه انفاق

در بیان ادله روایی اهل سنت گفته شد که آن‌ها در پی ذکر چندین شأن نزول ذیل آیه ۲۷۴ بقره، به شواهدی از اقوال صحابه و تابعین استناد نمودند. در این بخش به بررسی این اقوال می‌پردازیم تا میزان صحت ادعای آنان در این رابطه روشن گردد:

#### ۴.۱. بررسی نظریه نزول آیه درباره اصحاب خیل

۱. روایت عریب از پدرش: یزید بن عبدالله بن عریب و پدرش هر دو مجروحند؛ از این رو گزارش‌های آن‌ها نیز مخدوش است. هیشمی در مجمع الزوائد به نقل از طبرانی او و پدرش را مجهول دانسته است (هیشمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۷، ص ۴۴). سیوطی نیز پس از نقل روایت آنها در باب النقول، بر این امر تأکید می‌ورزد. (سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، ج ۱، ص ۳۸)

ابن حجر عسقلانی هم پس از نقل روایاتی از یزید بن عبدالله بن عریب از پدر و جدش به نقل از علائی درباره آنان می‌گوید: «فی هذا اختلاف شدید، مع ما فی روايته من الجهالة یعنی عبد الله ویزید وعمر». (ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۱۵)

هم چنین از دیگر اشکالات سندی این روایت عبارت است از:

اولاً، ابن ابی حاتم سعید بن سنان را منکر الحدیث و ضعیف الحدیث می‌داند (ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۸) و عقیلی نیز او را منکر الحدیث و غیر ثقه نامیده است. (عقیلی، الضعفاء الکبیر، ج ۲، ص ۱۰۷)

ثانیاً، ابن حجر عسقلانی هشام بن عمار را غیر ثقه معرفی نموده است. (ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۷۳)

ثالثاً، به سبب آن که این روایات تماماً به سعید بن سنان و یزید بن عبدالله عریب از پدرش می‌رسد، ضعیف بوده و قابل استناد نخواهند بود.

۲. روایت حنش صنعانی: واحدی پس از بررسی رجالی سند اول (سند أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبی) به حسن بودن آن حکم داده است؛ اما باز با بررسی بیشتر آن می‌توان حکم به تضعیف یا اجتهاد ناقل آن را داد؛ چراکه:

اولاً، در سند موجود و نیز در سند دوم (سند أبو سعید الأشج) ابن عباس قرار دارد و این روایات متعارض با روایات فراوانی از ابن عباس است که امیرالمؤمنین (ع) را مصداق انفاق‌کننده در آیه مورد بحث دانسته است. (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۶؛ رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۷۱).

ثانیاً، در سند روایت دوم ابوسعید الأشج قرار دارد. وی متهم به نقل از ضعفاء از سوی ابن ابی حاتم است. (ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ج ۵، ص ۷۳)

۳. روایت ابودرداء: این روایت نیز دچار ضعف سندی است؛ زیرا در این سند ایمن بن نابل که از صغار تابعین است، ضعیف و مجروح است. ذهبی در مورد وی می‌گوید: "قال ابن المدینی: ليس بالقوي وقال الدار قطني: ليس بالقوي، خالف الناس و لو لم يكن إلا حديث التشهيد و قال يعقوب بن شيبه: فيه ضعف". (ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۱، ص ۴۵۲)

علاوه بر ضعف سندی، اجتهاد در این روایت بیش از همه روایات ذکر شده مشهود است؛ زیرا در آنها آمده است، ابوالدرداء با مشاهدۀ خیل بسته شده میان برذون ها و هجانها درباره آنها می‌گوید، صاحبان این اسب ها از کسانی هستند که مشمول آیه "الذين ينفقون أموالهم..." هستند.

بنابراین از بررسی ها چنین نتیجه می‌گیریم که:

اولاً، اسناد روایات مورد بحث ضعیف و مخدوش و غیر قابل استناد است. این روایات از مکحول، اوزاعی، سعید بن مسیب، رباح بن یزید، عبدالله بن بشر غافقی، و ابوهریره نیز نقل شده است که همگی ضعیف‌اند (نک: واحدی، أسباب نزول القرآن، ص ۹۳؛ ثعلبی، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۴۵؛ قرطبی،



بررسی تطبیقی شأن نزول آیه انفاق (بقره، ۲۷۴) نزد فریقین

الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۶؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ابوحیان اندلسی، بحرالمحیط فی تفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱؛ ابوحیان اندلسی، بحرالمحیط فی تفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹)

ثانیاً، از تمام این روایات استنباط می شود که اصحاب خیل سبب نزول این آیه نیست؛ بلکه ناقلان این روایات، با اجتهاد خود و چه بسا با توجه به روایاتی که از پیامبر (ص) در مورد اصحاب خیل صادر شده، آیه مورد بحث را بر اصحاب خیل انطباق داده اند (نک: واحدی، اسباب نزول القرآن، ص ۹۳-۹۴)

#### ۲.۴. شأن نزول آیه و عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان

۱. روایت ابن منذر از سعید بن مسیب: این روایت مخدوش و غیر قابل پذیرش است؛ چراکه سند این روایت منقطع است و به معصوم نمی رسد. سعید هم از تابعین است؛ بنابراین روایت منقطع و ضعیف است. (نک: ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۹، ص ۱۰۰)

هم چنین شأن نزول مذکور در این روایت مشهور نیست؛ بلکه متفرد یاشاذ است. علاوه بر این بیضاوی سمرقندی، ابن کثیر، ابن ابی حاتم، حقی بروسوی، سورآبادی، طبری، قرطبی، حسکانی، ابن جزئی غرناطی و زمخشری، ذیل این آیه به شأن نزول مندرج در روایت، هیچ اشاره ای نکرده اند. (نک: بیضاوی، أنوارالتنزیل وأسرارالتأویل، ج ۱، ص ۱۶۱؛ سمرقندی، بحرالعلوم، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ابن کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۴۵؛ ابن ابی حاتم، تفسیرالقرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۴۲؛ حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۴۳۵؛ سورآبادی، تفسیرسورآبادی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ طبری، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۳، ص ۶۷؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۶؛ حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۴۰؛ غرناطی، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۷؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹)

۲. روایت ضحاک از ابن عباس: از اشکالات سندی این روایت نخست باید به ضحاک بن مزاحم اشاره کرد که از سوی رجالیون مورد جرح قرار گرفته، لذا روایاتش نیز مخدوش و ضعیف است. ابن جوزی درباره او می گوید: "الضَّحَّاكُ بْنُ مُزَاحِمٍ أَبُو الْقَاسِمِ الْهَلَالِيُّ الْبُلْخِيُّ كَانَ شُعْبَةً لَا يَحْدُثُ عَنْهُ وَيُنْكَرُ أَنْ يَكُونَ لِقَى ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَالَ يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ الضَّحَّاكُ عِنْدَنَا ضَعِيفٌ". (ابن جوزی، الضعفاء والمتروکین، ۶۰/۲)

هم چنین کلبی به نقل از ضحاک می گوید که وی ۷ سال با ابن عباس مجاور بوده، (مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۲۹۴). این درحالی است که اکثر رجالیون اهل سنت این مطلب را کذب می دانند. (ابن جوزی، الضعفاء والمتروکین، ج ۲، ص ۶۰؛ عقیلی، الضعفاء الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۹۸) به همین سبب، عده ای او را به تدلیس متهم نموده اند. ذهبی نیز او را تضعیف کرده است. (ذهبی، المغنی فی الضعفاء، ج ۱، ص ۳۱۲)

گفتنی است، علاوه بر اینکه سند این روایت منقطع و غیر قابل استناد است، با دیگر روایات ابن عباس که ضمن آن آیه را درباره امیرالمؤمنین (ع) می داند، در تعارض است. (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۶؛ رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۷۱) با این بررسی ها می توان گفت، روایاتی که مبین نزول آیه درباره عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف اند، ضعیف و مخدوش اند؛ لذا این شأن نزول قابل پذیرش نخواهد بود.

#### ۴. ۳. ابوبکر و شأن نزول آیه

به اعتراف بزرگان اهل سنت، انتساب شأن نزول این آیه به ابوبکر، اجتهادی است؛ زیرا با وجود اینکه سیوطی این روایت را با استناد به قول ابن منذر از ابن اسحاق گزارش کرده، لیکن آن را چیزی جز اجتهاد ناقل ابن منذر نمی داند. (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳)

آلوسی در تشریح آن می گوید: "سیوطی پس از نقل این روایت گفته است: ابن عساکر در تاریخ خود از عایشه جریان صدقه دادن ابی بکر را نقل کرده و در آن روایت اینقسمت که

آیه در شأن او نازل شده، نیامده است. گویا آن کسی که چنین ادعایی کرده، آن را از روایت ابن منذر برداشت کرده است؛ زیرا ابن منذر از ابن اسحاق نقل کرده است: وقتی مرگ ابی بکر نزدیک شد و عمر را جانشین خود کرد، برای مردم خطابه‌ای ایراد نمود. بعد از حمد و ثناء گفت: هان! ای مردم، طمع هر چه هم کم باشد، فقر است و نوبی از مال مردم هر چه باشد، به همان مقدار غنی است و شما جمع اموالی را می‌کنید که خود نمی‌خورید و آرزو می‌کنید، چیزهایی را که به آن نمی‌رسید و بدانید که بخل هر چه هم کم باشد، به همان مقدار نفاق است؛ پس برای خود خیر انفاق کنید. کجا هستند اصحاب این آیه؟ آن گاه آیه را تلاوت کرد. سیوطی در پایان می‌گوید، خواننده می‌داند که این حدیث هیچ دلالتی ندارد، بر اینکه آیه در حق ابی بکر نازل شده است». (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۷)

در پایان ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر اشکالاتی که ضمن بررسی روایی شأن نزول‌ها بیان شد، این روایات با ظاهر آیه نیز ناهماهنگ است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

## ۵. بررسی دلالت آیه انفاق

نکاتی که درباره دلالت آیه انفاق در خور ذکر به نظر می‌رسد، از این قرار است:

### ۵. ۱. بررسی تعمیم لفظ آیه

به نظر می‌رسد آیه انفاق در يك مورد خاص نازل شده؛ اما مورد مخصص نیست؛ از این رو، شمول حکم را نسبت به دیگران، نفی نمی‌نماید. به همین رو، طبرسی در تبیین دیدگاه خود درباره عمومیت این آیه می‌گوید: "ما می‌گوییم، این آیه، نخست درباره علی (ع) نازل گشت و هر کسی به این نحو انفاق کند، مشمول این حکم می‌شود؛ ولی علی (ع) به حکم سبقت بر همه دارای فضیلت بیشتری است". (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۶۷)

ملا فتح الله کاشانی نیز عام بودن آیه مورد نظر را بر اساس روایتی از پیامبر اسلام (ص) اثبات کرده است. (رک: کاشانی، خلاصة المنهج، ج ۱، ص ۱۷۰)  
حاصل بحث آن که آیه عام است؛ اما مصداق اتم و اکمل آن امام علی (ع) است (نک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۶۱)

## ۵. ۲. مخالفت روایات اهل سنت با ظاهر آیه انفاق

شأن نزول مورد ادعای عامه، با مدلول آیه در تعارض است؛ زیرا تعبیر "سِرًّا وَعَلَانِيَةً" با پرستاری اسبان نمی سازد؛ چون خصوص تهیه آذوقه اسبان، اینقدر اهمیت ندارد که بفرماید هم در روز و هم در شب و هم در خفا و هم آشکارا انفاق می کنند». (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۰۷)

به علاوه همانطور که پیش از این ذکر شد، این شأن نزول چیزی جز اجتهاد صحابه و تابعین در مورد این آیه نیست. واحدی پس از گزارش روایات برای اثبات صحت آنها به نقل روایاتی از پیامبر (ص) روی می آورد؛ حاکی از که ایشان به تیمارداری از اسبان و انفاق بر آنها سفارش می کند: "قال رسول الله (ص): من ارتبط فرساً في سبيل الله فأنفق عليه احتساباً، كان شعبة وجوعه و ريه و ظمؤه و بوله و رؤته في ميزانه يوم القيامة؛ "المنفق في سبيل الله على فرسه كالباسط كفيه بالصدقة" (واحدی، اسباب نزول القرآن، ص ۹۳-۹۴). این درحالی است که پیامبر (ص) هیچ اشاره ای به این آیه در روایات فوق نمی کند.

با توجه به استنادات ذکر شده، به طور قطع اصحاب خیل نمی توانند سبب نزول آیه باشند؛ بلکه تنها می توانند به دلیل عمومیت آیه مشمول آن قرار گیرند؛ چنانکه همگان در صورت انجام انفاق مطابق با شرایط مذکور در آیه، می توانند مشمول این آیه شوند. شیخ صدوق با پذیرش این دیدگاه می گوید: "وَالْآيَةُ إِذَا نَزَلَتْ فِي شَيْءٍ فَهِيَ مُنْزَلَةٌ فِي كُلِّ مَا يَجْرِي فِيهِ فَلَا عِتْقَادَ فِي تَفْسِيرِهَا أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ جَرَتْ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْخَيْلِ وَ أَشْبَاهِ ذَلِكَ". (شیخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۸)

در این مورد، شیخ صدوق، تفسیر تلمیذی، ج ۱، ص ۱۳۵، نیز در بیان این موضوع، به همین جهت اشاره کرده است.



حبیب بغدادی (ت ۲۴۵) می نویسد: "کان له (عبدالله بن جدعان) منادیان ینادیان أحدهما بأسفل مكة و الآخر بأعلى مكة وكان المنادیان أباسفیان بن عبدالأسد و أبا قحافة". (بغدادی، کتاب المنمق فی اخبار قریش، ص ۳۷۲)

از طرف دیگر، ابوبکر در مکه معلم کودکان و در مدینه خیاط بود و به کاری که بتواند از آن ثروت زیادی به دست آورد، اشتغال نداشته است و اگر ثروت فراوانی داشت، پدرش را در می یافت. شیخ مفید در این زمینه می نویسد: "على أن الآثار الصحيحة و الروایات المشهورة و الدلائل المتواترة قد كشفت عن فقر أبي بكر و مسكنته و رقة حاله و ضعف معيشته فلم يختلف أهل العلم أنه كان في الجاهلية معلماً و في الإسلام خیاطاً و كان أبوه صياداً فلما كف بذهاب بصره و صار مسكيناً محتاجاً قبضه عبد الله بن جدعان لندي الأضياف إلى طعماه و جعل له في كل يوم على ذلك أجراً درهماً". (شیخ مفید، الإصحاح فی الإمامة، ص ۱۷۶)

ثانیاً، همان طور که پیش تر ذکر شد، بنا به اعتراف بزرگان اهل سنت انتساب شأن نزول این آیه به ابوبکر، اجتهادی است. سیوطی این روایت را چیزی جز اجتهاد ناقل ابن منذر نمی داند. (نک: سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳)

ثالثاً، اگر ابوبکر آن چنان سخاوتمند بود که چهار هزار دینار انفاق کند، چرا برای نجوا با پیامبر (ص) پیش قدم نشد و حتی دیناری را برای این راه خرج نکرد؟! بنا بر اجماع فریقین جز علی بن ابی طالب (ع) شخص دیگری بعد از نزول آیه نجوا صدقه نداد. (نک: طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۸، ص ۱۴؛ واحدی، أسباب نزول القرآن، ص ۴۳۲؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۱۸۵؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، ص ۲۲۵؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۸۰)

طبق روایات متعدد شیعه و اهل سنت، این آیه درباره امیرالمؤمنین علی (ع) نازل شده است. در میان مفسران شیعه این قول بالاجماع بیان شده و در میان مفسران اهل سنت نیز این قول، تنها احتمال یا یکی از احتمالات است و احتمالات دیگری هم در شأن نزول آن نقل شده است. بر اساس، این قول، امیرالمؤمنین (ع) ۴ درهم داشته، درمی از آن را در شب، درمی را

در فصل نه از شرح تفسیر تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۸۵؛ در مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۲۵؛ در الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۱۸۵؛ در أسباب نزول القرآن، ص ۴۳۲؛ در روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، ص ۲۲۵؛ در المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۸۹؛ در طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۸۰

١. عن أبي صالح عن ابن عباس فيقول له عز وجل: الَّذِينَ يُتَّقُونَ آمَوالَهُمْ بِالْإِلِيلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً [قال]: نزلت في علي بن أبي طالب لم يكن عنده غير أربعة دراهم فتصدق بدرهم ليلا، و بدرهم نهارا، و بدرهم سرا و بدرهم علانية، فقال له رسول الله: ما حملك على هذا قال: حملني عليها رجاء أن أستوجب على الله الذي وعدني. فقال رسول الله: ألا إن ذلك لك. فأنزل الله الآية في ذلك. (حسكاني، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج ١، ص ١٤٠)

٣. عن عبد الوهاب بن مجاهد، عن أبيه قال كان لعلي رضي الله عنه أربعة دراهم فأنفق درهما بالليل و درهما بالنهار، و درهما سرا و درهما علانية فنزلت [فيه] الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً. (همان، ج ١، ص ١٤٣)

دیگر مفسران اهل سنت نیز روایاتی در این باره ذکر کرده‌اند. (بیضاوی، أنوارالتنزیل وأسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ابوحیان اندلسی، البحرالمحیط فی التفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۴۵؛ ابن أبی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۴۳؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۷؛ سیوطی، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۲۴۶؛ غرناطی، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۷؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ثعلبی، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۸۰)

شایان ذکر است که شوشتری علاوه بر افراد مذکور، اسامی بسیاری از علمای اهل سنت را نام می برد که اتفاق کننده در آیه مورد بحث را امیرالمؤمنین علی (ع) دانسته‌اند. (شوشتری، احقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۳، ص ۲۴۶-۲۵۱)

در تفاسیر اهل سنت روایات دیگری نیز یافت می شود که مضمون روایت مذکور را دارد؛ اما نام اتفاق کننده در آن مشخص نشده است. برای نمونه سیوطی از ابن ابی حاتم از طریق مسعر از عون نقل کرده است: "قال قرأ رجل "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً" فقال انما كانت أربعة دراهم فأنفق درهما بالليل و درهما بالنهار و درهما في السر و درهما في العلانية". (سیوطی، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۶۳؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۳۴۷؛ ابن أبی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۴۳؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، ج ۱، ص ۳۷۱)

در میان عالمان شیعه نیز علامه طباطبایی پس از نقل چندین شأن نزول مختلف و ابطال آنها، شأن نزول امام علی را صحیح دانسته است. (طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، ص ۴۰۶) طبرسی هم در این زمینه روایاتی را از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آورده است. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۶۷) فرات کوفی هم روایاتی را از ابن عباس، مجاهد و ابو عبدالرحمن سلمی آورده است. (فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی،

در فصل نه از شرح تفسیر تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۸۰؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۴۵؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۲۴۶؛ غرناطی، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۷؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ثعلبی، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۸۰



بررسی تطبیقی شأن نزول آیه انفاق (بقره، ۲۷۴) نزد فریقین

ص ۷۱-۷۳) عیاشی نیز روایاتی را از ابی بصیر و ابی اسحاق نقل می‌کند. (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۱)

هم چنین مفسران و محققان شیعی دیگر نیز روایاتی در این زمینه ذکر نموده‌اند. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۵۷؛ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن شهر آشوب، متشابه القرآن ومختلفه، ج ۲، ص ۳۷؛ اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۱۷۷؛ حلی، نهج الحق وكشف الصدق، ص ۱۸۷؛ دیلمی، غرر الأخبار، ص ۱۳۸؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۵۱)

### ۵.۳. نقد نظریه ابن تیمیه درباره آیه انفاق

ابن تیمیه ذیل این آیه مدلول آیه را با روایاتی که حاکی از نزول آن در شأن امام علی (ع) است، ناسازگار یافته است. وی دو عبارت "باللیل والنهار" و "سراً وعلانیة" را یکسان دانسته و گفته است: انفاق در شب و روز همان انفاق سری و علنی است؛ لذا روایت ذکر شده در خصوص حضرت علی (ع) نیست؛ چون به جای ۴ انفاق بایستی ۲ انفاق در آن ذکر می‌شد و دلیل یکسان بودن دو عبارت "باللیل والنهار" و "سراً وعلانیة" نیز این است که این دو به هم عطف نشده‌اند و "سراً وعلانیة" مصدر یا حال‌اند؛ اما این ایراد سست؛ چون:

اولاً، هیچ استبعادی وجود ندارد که وقتی شخصی در روز انفاق می‌کند، به طور پنهانی این کار را انجام دهد؛ همچنانکه انفاق در شب به صورت علنی نیز به طور قطع امکان‌پذیر خواهد بود. دلیل وی نیز در این زمینه نادرست است؛ چراکه این آیه برای رساندن مقصود خود که در واقع انفاق در جمیع اوقات و شرایط است، نیازمند هر دو عبارت "بِالْلیْلِ وَالنَّهَارِ" و "سِرّاً وَعَلَانِیَةً" است. (سمرقندی، بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۹۱؛ مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۴۲۸) به عبارت دیگر عبارت "بِالْلیْلِ وَالنَّهَارِ" متکفل بحث انفاق در جمیع اوقات و عبارت "سِرّاً وَعَلَانِیَةً" متکفل بحث انفاق در جمیع شرایط است.

به علاوه، اگر "سِرًّا وَ عَلَانِيَةً" در این آیه حال باشد، مرجع این حال، عبارت "بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ" چنانکه ابن تیمیه گمان برده است، نیست؛ بلکه همان طور که سیبویه گفته است، این حال به ضمیر انفاق برمی گردد. این امکان هم وجود دارد که این عبارت، صفت برای مصدر محذوف باشد. (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۶)

ثانیاً، ادعای ابن تیمیه با روایاتی که اهل سنت در این زمینه بیان نموده اند، در تناقض است؛ چراکه پیش از این ذکر شد، طبق روایاتی از اهل سنت ابوبکر مصداق این آیه است. وی چهار هزار دینار داشته و هزار دینار آن را در شب، هزار دینار آن را در روز، هزار دینار آن را سری و هزار دینار آن را علنی صدقه داده است. (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۷۱؛ بیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۲، ص ۷۰۱؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹. البته این دلیل در پاسخ جدلی به اهل سنت ذکر می شود و گر نه ضعف سندی و دلالتی این روایات پیش از این آشکار شد.

ثالثاً، چنانکه پیش از این ذکر شد، روایات نزول آیه درباره امیرالمؤمنین (ع)، علاوه بر شیعه، از سوی بیشتر مفسران اهل سنت هم نقل شده و این درحالی است که روایات بیانگر شأن نزول های دیگر تنها از سوی تعداد خیلی از مفسران اهل سنت ذکر شده است. با این وصف انکار این واقعیات تاریخی با استفاده از برخی گمانه زنی های نادرست، غیرمنطقی و غیرمعقول به نظر می آید.

## ۶. نتایج

در آیه ۲۷۴ بقره بیان شده است که فرد یا افرادی در شب و روز و به صورت پنهانی و علنی اموال خود را انفاق نموده اند، سپس آیه شریفه در شأن وی یا آنان نازل گشته است. فریقین درباره اینکه آیه مذکور در شأن چه فرد یا افرادی شأن نازل شده است، دیدگاه یکسانی ندارند. اهل سنت در کنار امام علی (ع)، از اصحاب خیل، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف و ابوبکر به عنوان کسانی که آن آیه درباره اشان نازل شده است، یاد می کنند؛ شیعه آیه



۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه، چاپ دوم.
۶. ابن تيمية الحراني، أحمد بن عبدالحليم، (۱۴۰۶ق)، منهاج السنة النبوية، تحقيق د. محمد رشاد سالم، بي جا، نشر مؤسسة قرطبة، چاپ اول.
۷. ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، كتاب التسهيل لعلوم التنزيل، تحقيق دكتور عبدالله خالدى، بيروت، شركت دار الارقم بن ابى الارقم.
۸. ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على، (۱۴۲۲ق)، زاد المسير فى علم التفسير، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶ق)، أبو الفرج عبدالرحمن بن على، الضعفاء والمتروكين، تحقيق عبدالله قاضى، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۰. ابن حجر عسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي، (۱۴۰۶ق)، تقريب التهذيب، سوريه، دار الرشيد.
۱۱. \_\_\_\_\_، (بى تا)، تهذيب التهذيب، بى جا، بى نا.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶ق)، لسان الميزان، تحقيق دائرة المعارف النظامية، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
۱۳. ابن حجر الهيتمي، أبي العباس أحمد بن محمد بن محمد بن علي، (۱۹۹۷م)، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، تحقيق عبدالرحمن بن عبدالله التركي وكامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
۱۴. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، (۱۳۶۹ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار بيدار للنشر.
۱۵. ابن عربى، ابو عبدالله محبى الدين محمد، (۱۴۲۲ق)، تفسير ابن عربى، تحقيق سمير مصطفى رباب، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۱۶. ابن عساكر، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف، (۱۴۱۵ق)، تاريخ دمشق، تحقيق عمر بن غرامة العمري، بيروت، الناشر دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۷. ابن عطيه اندلسى، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۸. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، (بى تا)، البداية و النهاية، بيروت، مكتبة المعارف.
۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
۲۰. اربلى، على بن عيسى، (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز، بنى هاشمى.

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه انفاق (بقره، ۲۷۴) نزد فریقین

۲۱. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
۲۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه بعثه.
۲۳. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۲۴. بغدادی، محمد بن حبیب (۱۴۰۵ق)، کتاب المنطق فی اخبار القریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب.
۲۵. ۶۸- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۸. حسکانی، عبید الله بن احمد، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۹. حقی بروسوی اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
۳۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۹۸۲م)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت، دار الکتب اللبنانی.
۳۱. دلمی، حسن بن محمد، (۱۴۲۷ق)، غرر الأخبار، قم، دلیل ما.
۳۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد (۱۴۰۷ق)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، لبنان- بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۳۳. \_\_\_\_\_، (بی تا)، المغنی فی الضعفاء، تحقیق نورالدین عتر، بی جا، بی نا.
۳۴. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۵ق)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، الناشر دار الکتب العلمیه.
۳۵. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۷. سمرقندی، نصرین محمد بن احمد، (بی تا)، بحر العلوم، بی جا، بی نا.
۳۸. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۸۰ش)، تفسیر سور آبادی، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول.

۳۹. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۰. \_\_\_\_\_، (بی تا)، لباب النقول فی أسباب النزول، تصحیح أحمد عبد الشافی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرسین حوزة علمیة، چاپ پنجم.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۴۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۵. عقیلی، أبو جعفر محمد بن عمر بن موسی، (۱۴۰۴ق)، الضعفاء الکبیر، تحقیق عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دارالمکتبة العلمیة.
۴۶. عباشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة.
۴۷. غرناطی کلبی، محمد بن أحمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
۴۸. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۹. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۵۰. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۷۳ق)، خلاصة المنهج، تحقیق آیت الله ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامیة.
۵۱. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله، (۱۴۰۹ق)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، مکتبة آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
۵۲. مزی، یوسف بن الزکی عبد الرحمن أبو الحجاج، (۱۴۰۰ق)، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۵۳. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۵۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الإفصاح فی الإمامة، قم، نشر المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
۵۶. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۵۷. هیشمی، نور الدین علی بن أبی بکر، (۱۴۱۲ق)، مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، بیروت، دارالفکر.